



نگاهی به فیلم «تار» (Tár)

## ظهور و سقوط یک هیولا

سعید مستغانی

فیلم «تار» یک اثر بیوگرافیک واقعی نیست اما تا فیلد آن را چنان ساخته که اگر تحقیق و جستجو نکرده و درباره «لیدیا تار» به عنوان یک رهبر ارکستر معروف مطالعه نکنیم، به غیر واقعی بودن آن بی نمی نریم.

از همین روست که برخلاف فیلم های بیوگرافیک، فیلمساز نمی تواند از اطلاعات فرامتنی مخاطبان استفاده کند، یعنی نمی تواند مانند وقتی که بخواهد مثلا درباره بهوون یا موتزارت فیلم بسازد، بخشی از شخصیت پردازی خود را به سواد و معلومات تماشاگران واگذار نماید از همین رو در یک سکانس افتتاحیه طولانی ۱۰ دقیقه ای مبتنی بر گفت و گو، شخصیت لیدیا تار را در گف‌ت و گویی بی پرده با «دام گانپیک»، خبرنگار مجله نیویورکر می سازد. در آن زمان ۱۰ دقیقه و طی یک مصاحبه محض رادیو وار، می توان دریافت لیدیا تار (کیت بلانچت) یک رهبر ارکستر بسیار مغرور و متکبر است که با شوخ طبعی خاصی همه را دست می اندازد. او حتی فقط بخشی از ۷ دقیقه ای از سمفونی شماره ۵ مالر را که می پسندد، اجرا می کند و لحنش نسبت به لئونارد برنستاین (آهنگساز و رهبر ارکستر بزرگ آمریکایی) که الگوی خود دانسته، بسیار فخر فروشانه و سرشار از خودشیفتگی است! و در تحسین ظاهری از «آنتونینا بریکو»، زنی که پیش از او رهبر معروف ارکستر بوده، کلام تحقیر کننده ای دارد! پس از این مصاحبه می توان نیمه اول فیلم طولانی و دو ساعت و چهل دقیقه ای تار را شخصیت پردازی لیدیا دانست که در مواجهه با افراد مختلف از شارون (زوجه همجنس گرایش) و فرانچسکا (دستیارش) گرفته تا زنی مرزوم به نام کریستا که خودکشی کرده و همچنین از طریق برنامه های اجرای موسیقی و ارتباط با اعضای گروهش در برلین شکل می گیرد. شاید با تنها کسی که لیدیا رابطه سودجویانه ندارد، همان دخترخوانده کوچکش، پتراسک است البته با او هم سلطه گرانه و از زاویه مستبدانه برخورد می کند.

تاد فیله هم این روابط به اصطلاح افراطیولونی را در لابلای نماها و سکانس های زندگی شخصی و حرفه ای او به کنه ای پنهان ساخته که تقریبا در همان نیمه اول فیلم، از خوی خبیث و رذل لیدیا، چندان دستگیر نشماشگر نمی شود و تنها او را در هیبت یک زن جدی و کارآمد و پرمشغله مشاهده می کند.

ولی در نیمه دوم فیلمساز از طریق جبرهایی که ظاهرا از طریق فضای مجازی برای لیدیا ساخته شده و در نظر نخست هم حاشیه سازی های جعلی به نظر می آیند، اما به تدریج توجه مخاطب را در واقع به حاشیه هایی مهبتر از متن جلب می نماید.

خودکشی کریستا و افشای روابط متعرضانه لیدیا با او و همچنین پیام های آخرش به لیدیا که برای فرانچسکا هم ارسال نموده، سپس کشیده شدن پای هیبت امنای بنیادی که از کنسرتس های ارکستر سمفونیک برلین حمایت می کند، آن روی سکه ای زن آهنین را برملا می سازد.

شاید این برای اولین بار است که در یک فیلم هالیوودی و برگزیده فصل جوایز، یک زن همجنس گرا در یک خانواده همجنس گرا، این گونه سوء استفاده گر جنسی نمایانده می شود به طوری که تقریبا از اغلب دختران و زنان پیرامونش مانند یک مرد سلطه جوی سفیدپوست نژادپرست، سوء استفاده نموده و آنها را به ورطه تباهی کشانده است.

زمانی که ماجرای سودجویی لیدیا از کریستل افشاء شده، پای دختری دیگر به ارکستر برلین باز می شود، دختری روس و جویای نام و جوان به نام «ولگا» که از همان ابتدا طمع لیدیا را برانگیخته تا آن حد که یکی از سولیسیتس های ارکسترش را کنار گذارده و اولگا را به جای او می گمارد ولی اولگا مانند کریستا و فرانچسکا و شارون نیست که لیدیا بتواند از او سوء استفاده کند.

سقوط «لیدیا تار» به همین شکل و با شبیعی تند، آغاز شده و به جایی می انجامد که او همه مقام ها و اعتبار و جایگاه خود را از دست می دهد. زوجه همجنس گرایش ترکش کرده و در دادگاههایی مختلف برای پاسخگویی به اتهامات باید حاضر شود. در همین حال اسناد دیگری حاکی از رفتارها و سوءاستفاده های ذالت آمیز او نسبت به زیردستانش افشا می گردد تا جایی که اصلا ادامه کارش نه تنها در ارکستر سمفونیک برلین بلکه در دنیای موسیقی زیر علمت سوال می رود.



از این پس هر چه که می گردد شاهد افشای بیشتر و بیشتر روح هیولایی لیدیا هستیم تا صحنه ای که او دیگر به عنوان رهبر ارکستر اخراج شده و فرد دیگری در حال هدایت ارکستر برای نواختن قطعه ای است که لیدیا تمرین کرده بود. در اینجا و روی همان صحنه اجرا، لیدیا به طرز جدیدی باطنی او به فرد جدید حمله کرده و او را بر روی صحنه اجرا، پرتاب می کند. به این ترتیب «لیدیا تار» که برای یک مصاحبه اش، هزاران نفر بلیط تهیه کرده و ساعت‌ها در سالن به انتظار می نشستند، تصویرش برروی مجلات معتبر چاپ می شد، خبرنگار معروف نیویورکر به گف‌ت و گو با او می نشست و رهبر مهمان ارکستر سمفونیک برلین می شد، اینکه ناگزیر ابتدا به خانه دوران کودکی اش (بهوت کرده؟) یا «زباد» همشهری کیتن؟! بازگشته جنوب شرقی (فیلیپین با کامبوج) موسیقی بسازد و بنوازد و ...

در یکی از صحنه های بخش اول فیلم، لیدیا در حال تدریس رهبری ارکستر با یک هنرآموز دو رگه ای بحث به شدت تحقیرکننده ای را در پیش می گیرد. او در مقابل آن جوان هنرآموز که باور دارد نمی تواند از موسیقیت دانان برجسته‌ت تاریخ هنر که کارنامه مطلوبی در زندگی شخصی خود نداشته‌اند، الهام گرفته، آنها را الگو قرار داده و حتی موسیقی آنها را اجرا نماید، موضع سخت و تحقیرگرانه ای گرفته تا جایی که جوان یاد شده ناگزیر از ترک سالن می شود. اما در پایان فیلم، اکتار خود لیدیا مصداق حرف های همان هنر جو شده و علی‌رغم همه دانش و سواد و توانایی و تخصص اما به دلیل روابط و رفتار غیر اخلاقی و سوء استفاده از دیگران و زندگی از هم پاشیده و ... دیگر حتی خودش هم خودش را قبول نداشته و از لیدیا تار متنفر می شود.

این ماجرا هم شاید برای اولین بار در هالیوود و فصل جوایز اتفاق می افتد که تئوری معروف «هنر هنر هنر»، رنگ باخته و هنر و هنرمندان فارغ از قوت هنری شان، مورد قضاوت و داوری قرار می گیرند.

به نظر می آید تمی که پیش از این در فیلم «هتلث غم» توضیح داده شد که به طور ظریفی در میان فیلم های فصل جوایز امسال جاری است یعنی خارج ساختن مردان و پدران از آن نقش همیشگی تیره و سیاه و در مقابل ترسیم رفتار و اخلاق نامطلوب زنان و زنان و حتی هیولا نشان دادن آنها در فیلم «تار» بیشتر خود را نمایانده و حتی قدمی پیشتر گذاشته و به اقلیت های جنسیتی (در این فیلم «تار» بیشتر خود را نمایانده و حتی قدمی پیشتر برای اولین بار یک خانواده همجنس گسرا در یک فیلم هالیوودی فصل جوایز و به اصطلاح اسکاری، دچار بحران نشان داده شده و این بحران، شیرازه آن را می گسلد.

به هر حال فیلم «تار» علاوه بر کسب جایزه جشنواره ونیز امسال، از جمله آثاری است که در فصل جوایز ۲۰۲۲، در اکثر فهرست های برگزیدگان منتقدین و کانون های هنری و مراسم عطای جوایز سینمایی حضور دارد.

پیرو انتشار برخی اخبار در هفته گذشته مبنی بر درخواست رسانه ملی از رئیس جمهور درباره توقف فعالیت یکی از پلنفرم‌ها، ساترا اطلاعاتی‌های صادر کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «طبق قانون کلیه پلنفرم‌های ارائه دهنده خدمات صوت و تصویر فراگیر، موظفند قبل از تولید و انتشار مجموعه‌های نمایش خانگی اقدام به اخذ مجوز از ساترا به عنوان نهاد قانونی تنظیم گر صدا و تصویر در فضای مجازی نمایند.پلنفرم فیلمو بدون اخذ مجوز قانونی تولید سریال «سقوط» اقدام به تولید این مجموعه و همچنین بدون اخذ مجوز انتشار، اقدام به انتشار آن نموده است. این اقدام غیر قانونی علی‌رغم تذکرات و مکاتبات پیاپی ساترا و یادآوری فرایند قانونی اخذ مجوز و بی‌توجهی مکرر این پلنفرم صورت گرفته است. با توجه به تکرار تخلفات این پلنفرم در گذشته، تخلف جدید فیلمو به نهادهای نظارتی و قضایی گزارش و در این خصوص اطلاع رسانی شد.»

فارغ از محتوای سریال سقوط بی توجهی آشکار و عمدی پلنفرم فیلمو به قانون و زیر پا گذاشتن مقررات علت پیگیری ساترا در راستای وظایف قانونی آن می‌باشد و در این خصوص برای تحقق اجرای قانون همه نهادهای مربوطه از جمله شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی تابع این شورا نیز در جریان تخلف مذکور قرار گرفتند.

مکاتبه رئیس رسانه ملی با رئیس جمهور در جایگاه ایشان به عنوان رئیس شورای عالی فضای مجازی صورت گرفته و در آن ضمن ارائه گزارش مختلف از پلنفرم درخواست اقدام قانونی شده است.

سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی تأکید می‌کند رویکرد این سازمان نسبت به فعالان تولید محتوا در فضای مجازی، رویکرد حمایتی نظارتی است و در راستای حمایت از آنان به وظایف خود عمل کرده و در برابر هر گونه قانون‌شکنی و بی‌توجهی به حقوق مخاطبان و رقابت غیر قانونی و نادانانه با سایر سکوهای دارای مجوز از ساترا (۳۳۷ سکو دارای مجوز)، اقدامات قانونی لازم را انجام خواهد داد و در این راستا در مقابل تخلف از قانون، مسئولیت خود را به شکل کامل انجام خواهد داد.

#### چرا این بیانیه صادر شد؟

شاید این پرسش را بدین صورت باید مطرح کرد: چرا روابط تعاملی میان پلنفرم‌های فعال از شیوه تعاملی، به مرحله ای تقابلی رسیده است؟



این سوآلی است که باید برای افکار عمومی به خوبی تبیین شود، چون طی روزهای آتی با انتشار این اطلاعیه رسانه‌های «حقوق‌المالک» را بدستما به قرار دادن مسئله اجرای قانون از سوی مقامات اتی صدا و سیما و زیرمجموعه ذیل این نهاد، سازمان صوت و تصویر فراگیر، جنجال‌های از پیش طراحی شده خود را در رسانه‌های مکتوب و مجازی نشر و گسترش خواهند داد.

#### همه در برابر قانون و قانون برای همه

یکی از انتقادات گسترده‌ای که طی سال‌های اخیر درباره برخی فیلم‌سازان جشنواره‌های مطرح شده این است که این عده با نادیده‌نگاری قانون، بدون اخذ مجوز، اقدام به ساختن فیلم‌ها و این آثار را به فست‌یوال‌های مختلف در دنیا ارسال کرده‌اند. برخی از این فیلم‌سازان در روندی مشخص به دلیل فعالیت‌های غیرقانونی خود مشمول احکام جزایی شده‌اند.

روابط انگلستان هرگز با کشورهای اطراف و زیرسلطه‌اش مانند ایرلند و اسکاتلند و ولز، خوب و از روی عدالت و برابری نبوده است. از این رو معمولا در بخش فرهنگی و نشان دادن چهره ایرلندی ها و اسکاتلندی ها، انگلیسی ها سعی می کنند چهره ای رزشت و غبارگرفته از مردم این کشورها به تصویر بکشند و به خاطر همین هم عجیب نیست که معمولا قایتلین سریالی و مجموعه های جنایی انگلیسی در سال های اخیر، بر پایه شخصیت های از بین مردم ایرلند و اسکاتلند ساخته شده‌اند! این نوع نگاه بر از نفرت و کینه، سال‌هاست که در سینما و تلویزیون انگلستان وجود دارد و جالب است که هرگز یک قهرمان انگلیسی با وجود اندای این کشور مینمی شود و به‌احتمال اکثرراهای اطرافش، از ایرلند انتخاب نمی‌شود و معمولا قهرمانان نژاد اسکاتلندسکون انگلیسی، به نجات مردم این کشورها می آیند. فیلم



«شگفتی» به کارگردانی «سیاستین لیبو» و محصول سال ۲۰۲۲ انگلستان است. این فیلم بر اساس رمانی به همین نام، اثر «دانا هیو» است که در سال ۲۰۱۶ چاپ شده است.

#### داستان شگفتی

فیلم شگفتی، داستان پرستاری انگلیسی به نام «لریابت رایت» را دنبال می کند که به یک روستای ایرلندی فرستاده می‌شود تا دختر جوانی را مشاهده کند که ظاهرا می تواند بدون غذا زنده بماند!

این دختر در حومه ایرلند در سال ۱۸۶۲، کمتر از یک سال است که برادرش را از دست داده و حالا به نظر می‌رسد، تنها با قدرت ایمان، ماجها بدون غذا زنده مانده است... اگرچه در ابتدا به نظر می‌رسد که فیلم بر اساس جست‌وجوی دلیلی است که چرا او می‌تواند بدون غذا زنده بماند ولی در ادامه مخاطبین می‌پینند که دلیل این به اصطلاح بی‌غذایی نه از روی ایمان، که از روی عناد وچنان برای کفاره گناه بسیار بزرگ زنای با محارم است و هیچ تقدسی هم در کار



### بررسی سربال‌های شبکه نمایش خانگی

## چرا پلنفرم‌های قانون‌گریز مستحق هر تصمیمی از سوی ریاست رسانه ملی هستند؟

برخلاف گزارش یکی از روزهای صبح که گزارشی نه چندان دقیق را با تیتَر «ساتور را زمین بگذار ساترا!» منتشر کرد، مکاتبات این نهاد با فیلمو نشان می‌دهد، این مجموعه با تعاملی‌ترین شکل ممکن با سامانه نمایشی فیلمو مکاتبه کرده است. نامه ارسالی ساترا به فیلمو نشان می‌دهد این سامانه با لحنی تعاملی و بسیار متعدل از این سامانه تقاضا کرده برای دریافت پروانه نمایش دست کم ۱۰ قسمت سریال اکتور را در اختیار این نهاد نظارتی قرار دهد. از منظری فنی این درخواست بسیار منطقی و بر اساس مقررات اداری وضع شده در حوزه نظارت است.

اگر فرض کنیم نظارت در این حوزه بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود، بر اساس مستندات ارائه‌شده ساترا، این نهاد همچون ساترا ۳۰ درصد از اثر تولید شده را برای بازبینی مطالبه می‌کرد.

مناسفانه این خواست قانونی ساترا نه تنها نادیده گرفته شده است، بلکه فیلمو سه سریال پیاپی را به صورت مستمر و متوالی بدون دریافت مجوزهای لازم منتشر کرده است. در نتیجه آنچه شرط انصاف است را ساترا یا این سامانه در میان گذاشته است و بر اساس بیانیه اخیر ساترا، سازمان صدا و سیما به نهاد بالادستی این مجموعه می‌تواند هر تصمیم فاطعه‌امی را اتخاذ کند. بار دیگر باید یادآور شد که تمکین از قانون برای همه شهروندان و شرکتهای دولتی و خصوصی یک ضرورت صحیح اجتماعی و شهروندی است و اگر عدم تبعیت از قانون از سوی نهادهایی که داعیه فعالیت فرهنگی دارند، نقض شوند، محصول تولید شده توسط آن نهاد، مبنای اصولی و فرهنگی نخواهد داشت.

اما تصمیمات و تنبیهات در نظر گرفته شده احتمالی توسط ریاست سازمان صدا و سیما کاملا قانونی و در راستای



«آکتور» که توزیع آن از روز پنجشنبه آغاز شده، سریال صحنه‌های مستندتاد منتشرشده در ۳ پهن، در برخورد با بخش خصوصی قانون‌گریز برای برچیدن بساط ولسنگارانه فرهنگی (براساس فرمایش مقام معظم رهبری) امری ستودنی است.



می‌کنند... این نویسندگان که برای جلب توجه مخاطبین، هر چیزی می نویسند، معمولا از اتفاقاتی نظیر تجاوز به کودکان، همجنس گرایی یک یا چند شخصیت، عشق های ممنوعه و به‌خصوص روابط نامشروع بین محارم استفاده می‌کنند. با توجه به داستان و معمای فیلم، جالب است که این مسئله دقیقا حالا که تلاش برای تصویب قانونی بودن روابط بین محارم در اروا مانند بیماری شیوع پیدا کرده، سر از این داستان در می آورد!

نتفلیکس پیش از این، از فیلم های قبح شکنی که در آن بدن نمایی کودکان تبلیغ می‌شد، حمایت کرده بود و مسائلی مانند همجنس گرایی یک یا چند شخصیت، عشق های ممنوعه و به‌خصوص روابط نامشروع بین محارم استفاده می‌کنند. با توجه به داستان و معمای فیلم، جالب است که این مسئله دقیقا حالا که تلاش برای تصویب قانونی بودن روابط بین محارم در اروا مانند بیماری شیوع پیدا کرده، سر از این داستان در می آورد!

نتفلیکس پیش از این، از فیلم های قبح شکنی که در آن بدن نمایی کودکان تبلیغ می‌شد، حمایت کرده بود و مسائلی مانند همجنس گرایی یک یا چند شخصیت، عشق های ممنوعه و به‌خصوص روابط نامشروع بین محارم استفاده می‌کنند. با توجه به داستان و معمای فیلم، جالب است که در سال ۲۰۲۲ هنوز، انگلستان به سمت ساخت فیلمی می رود که در آن انگلیسی ها، نجات دهنده ایرلندی ها هستند و بدون دخالت انگلیسی‌ها ایرلندی‌ها قلعاعا خودشان را به فنا می‌دهند!

#### نگاهی به فیلم «شگفتی»

## وقتی نتفلیکس به کمک انگلستان می آید!

#### فاطمه قاسم‌آبادی

#### علاقه به جدایی و فشار بیشتر

در حال حاضر کشورهای اطراف و زیر سلطه انگلستان یا همان ایرلند، اسکاتلند و ولز، سال‌هاست که در خاطر مردم و بی‌عدالتی‌های انگلیسی‌ها، برای جدایی در حال تقلا هستند... البته به خاطر سلطه فکری انگلستان، مبنی بر خراب تر نشدن اوضاع اقتصادی این کشورها بزرگ جلوشی آمده است!

این مسئله با توجه به ابتدای داستان و بازگویی اینکه در ایرلند قطعی بزرگی آمده جالب توجه است، گویی این خوردن مداوم پرستار انگلیسی می‌خواهد به مخاطبینش این مطلب را بیشتر القا کند که قطعی واقعی در واقع به فکر و فرهنگ ایرلندی‌ها بر می‌گردد وگرنه که زن انگلیسی در قطعی هم همچنان می‌خورد و سیر می‌شود...

#### مذهبی که تقییر می‌شود

با توجه به تفاوت مذهب بین انگلستان و ایرلند، توهین به مقدسات و اعتقادات ایرلندی‌ها، در این فیلم انگلیسی، کاملا منطقی به نظر می‌رسد. از روزگاران دور، توهین به ریشه های مذهبی یک ملت، یک روش کلاسیک انگلیسی‌ها در کشورهای زیرسلطه‌شان بوده است. از این رو در فیلم شگفتی، داستان مثلا با بررسی یک معجزه شروع می‌شود و در نهایت این معجزه که مثلا در یک خانواده مومن اتفاق افتاده، تبدیل می‌شود به یک گناه کبیره و جهل مردم به خاطر باور آن... در این میان اما پرستار انگلیسی فهمیده، که خیلی هم جسور است و انسان دوست، دختر گناهکار داستان از مرگ تدریجی و احساس صدمه و وجدان نجات می‌دهد و به اصطلاح و کنایه فیلم، از قفسی که در ذهنش ساخته بیرون می‌رود!

اینکه یک سری خرافات، در بین عوام هر مذهبی ممکن است وجود داشته باشد، یک واقعیت است اما اینکه مقدسات کاتولیک‌ها همیشه توسط انگلیسی‌های پروتستان، تقییر می‌شود و مخصوصا آنها همیشه و از راه های مختلف سعی در تخریب باورهای کاتولیک‌ها دارند، دیگر طبیعی نیست و نشان از نفرت عمیقی دارد که هرگز تمامی ندارد.

#### شمار فراوانی از رسانه‌های داخلی و خارجی سال‌های

متمادی تلاش کردند تمیعت از این ساختار، یعنی دریافت پروانه نمایش از نهادهای ذی‌صلاح را تضعیف و در بخشی از ساختار سانسور سخت‌گیرانه توصیف کنند. در حالی که هیچ‌گاه مزیت‌های خاص دریافت پروانه ساخت و نمایش در رسانه‌های حاکمیتی با جزئیات تشریح نمی‌شود؛ا‌به واقع به بخشی از خدمات دولتی و حاکمیتی که نصب گروه‌های تولید دارای پروانه ساخت و نمایش می‌شود، هیچ‌گاه اشاره نشده و اینکه این خدمات چقدر در کاهش هزینه‌های تولید آثار نمایشی موثر است.

#### چرا دریافت پروانه ساخت و نمایش

#### یک بازی دوسر برد است؟

به عنوان مثال گروه سازندهای تصمیم می‌گیرد در بخش خصوصی سریالی را تولید کند و برای ضبط سریال نیاز به لوکیشن‌هایی در فرودگاه و یا داخل فضای هوایما دارد. تهیه‌کننده با دریافت پروانه ساخت با چند مکاتبه ساده موفق به اجاره بدون هزینه بخشی از لوکیشن مورد دل‌خواهش می‌شود. وجهت پروانه ساخت و نمایش از این منظر در کاهش هزینه‌های تولید نقشی جدی دارد. با داشتن مجوزهای قانونی گروه‌های فیلمسازی می‌توانند در جغرافیای دل‌خواهشان بدون پرداخت هزینه بهترین جغرافیای تحت تکلف دولت و نهادهای نظلمی و انتظامی را در اختیار داشته باشند.

این مثال را با یک نمونه شخص دیگر مستند به دبدر جنجالی اخیر بهمن فرمان‌آرا و عزت‌الله ضرامی وزیر گردشگری و میراث فرهنگی باید تبیین کرد. این ملاقات در کشاکش آشوب‌های اخیر بسیار جنجالی شد. فرمان‌آرا از ضرامی در این دیدار تقاضای مهمش بهره‌برداری از لوکیشن‌های تاریخی برای فیلمبرداری سریالی بر اساس رمان «چشم‌هایش» بزرگ علوی است.